

قضیه هستند و می خواهند از او مدرکی بگیرند و او را به کشتن بدهند ۲۴

چیزی شبیه به همین مطلب را دوست هنرمند و محقق از صدا و سیمای تبریز آقای حسن علیزاده پروین برایم نقل می کرد که:

قرار بود با اکیپ ویژه تلویزیون، به همراه شهریار به کوه حیدریا برویم تا فیلم کوتاهی در همان محل از ایشان تهیه نمائیم، اما روز موعود هر چقدر اصرار کردیم، شهریار نیامد، تصور ذهنی شهریار این بود که: عده‌ای به نام فیلمبردار می خواهند مرا به کشتن بدهند... نیما از شاعران نو پرداز و دنباله‌رو خود هم وحشت داشت او وصیت کرده بود که شاعران نو پرداز، حتی بعد از مرگش هم به اشعارش دست نزنند ۲۵

و چقدر وسواسی شبیه به شهریار داشت که جز بر تعدادی اندک هرگز اعتماد نکرد و غیر را تحمل نمود.

باری، یکسال پس از آخرین دیدار شهریار با نیما یوشیج که در سال ۱۳۳۷ در تبریز اتفاق افتاد، پدر شعر نو ایران درگذشت، و شهریار در بدرقه‌ی او سرود:

رفت آنکو پدر شعر نوین ما بود
شعر نو چیست که بالاتر از آن نیما بود
من همه عبرتی از باختن دیروزم
او همه غیرتی از ساختن فردا بود
یاد از آن مرغ بهشتی که غریب آمد و رفت
گفت در کنج قفس چند توان تنها بود
زیست در گوشه دنیای غم خود تنها
هم در آن گوشه تنهایی خود دنیا بود
آنکه با وی نفسی چند هم آوایی کرد
دل من بود که همزاد هزار آوا بود ۲۶
شهریار سالها پس از مرگ نیما، در جواب نامه‌ی شراکیم پسر نیما یوشیج نوشت:

نور چشم عزیزم
من حق استادی و دوستی پدرت را تا اینجا بد تادیبه
نکرده‌ام، در اشعار من یک شان بلند و یک سد دفاعی
مستحکمی برای نیما ساخته شده است... من در عالم
خیال همیشه مجلسی دارم که در آن مجلس، صبا، نیما،
زهری، سایه و زاهدی هستند...

به همین زودیه‌ها انشاء... یکی آشتی عمومی بین تمام
افراد بشر پیدا می شود و... در چنان دنیایی امثال نیما و
من هم که در تیرگیهای ذلالت‌ها و کدورت‌ها مثل
شمعی سوخته و یک شعاع عمل ضعیفی داشته‌ایم،
ممکن است قدر و قیمتی پیدا کنیم... ۲۷

در سال ۱۳۴۴ انجوی شیرازی در سفری به تبریز،
دوباره یاد هدایت و نیما را در ذهن شهریار تداعی کرد.
انجوی در خاطراتش که در همان سال در نشریه
فردوسی به چاپ رسید، نوشت: اجازه چاپ درد
دل‌های شهریار را ندارم، اما شهریار علیرغم افسردگی به
راز و نیاز و مناجات با خدا امید بسته است. ۲۸

آیا انجوی حامل پیامی بود که هدایت نیز سالها قبل
به نیما و شهریار داده بود؟ معلوم نیست. اما شواهدی
هست که هدایت و انجوی به همراه چند نفری دیگر به
تشکیلات وابسته بودند، نظیر تشکیلاتی که
آرتور کوستلر در غرب به آن وابسته بود. آن تشکیلات
به هنرمندان و شاعران و نویسندگان کمک می کرد که
وقتی کار اصلی‌شان را انجام دادند و شاهکارشان را
خلق کردند، بی زحمت دیگران رخت بپوشند. ۲۹

اما نیما و شهریار رمز پویایی زندگی معنوی را
طوری دیگر تفسیر می کردند، آنها بر که ایستایی نبودند
بلکه، رودخانه خروشان بودند که هر کس از محل آن
می توانست آب بردارد. شهریار، یکبار پس از ناامیدی و

طلب مرگ از خدا، این آیه قرآنی را در عالم مکاشفه
خوانده بود:

ولتخرج الناس من الظلمات الی النور (تو را ننگه
داشتیم که رسالت خود را انجام بدهی) ۳۰ و نیما شهریار
را با این حدیث تسکین داده بود که الدنیا سجن المومن
و جنت الکافر ۳۱

باور و ایمان هر دو شاعر به مکتب مولایشان علی
(ع) حصار مستحکمی بود که آنها را در فراز و نشیب
زندگی به ساحل سلامت می رساند.

نیما و شهریار در مقابل شخصیتهای تک بعدی افرادی که دوست داشتند شهریار و نیما مثل آنها بیندیشند و یا دوست داشتند که نیما و شهریار مثل هم بگویند، اغلب سکوت می کردند

نیما در سه رباعی و یک قطعه به این نکته اشاره
می کند:

آنکس که نه با علی، دل خویش شناخت
چیزی نشناخت، گر چه بس چیز شناخت
در ساخت دلم به هر بدی لیک دلم
با آنکه بد علی به لب داشت نساخت ۳۲
و شهریار که اکثر آثارش یاد و نام علی (ع) را تداعی
می کند، در غزلی از او می خواهد که راه آفت قضا و قدر
را سد کند:

به خدا که در دو عالم اثر از فنا نماند
چو علی گرفته باشد، سرچشمه بقا را...
چو تویی قضای گردان، به دعای مستمندان
که ز جان ما بگردان ره آفت قضا را ۳۳

نیما و شهریار در مقابل شخصیتهای تک بعدی
افرادی که دوست داشتند شهریار و نیما مثل آنها
بیندیشند و یا دوست داشتند که نیما و شهریار مثل هم
بگویند، اغلب سکوت می کردند، اما دو تن تعبیر
ویژه‌ای در این باب داشتند اولی ملک الشعرای بها بود
که گفته بود:

در آسمان ادب ایران "هدایت" یک "سیاره" است،
"نیما" یک "ستاره" و "شهریار" یک "منظومه" ۳۴
و دومی شریعتی بود که در کویرش نوشت. ۳۵
کیست که بگوید ماه در کویر کیود و بی کرانه آسمان
تنها نیست؟ در انبوه هزاران ستاره‌ای که او را همواره در
میان گرفته‌اند و همیشه در پی اش روانند غریب نیست؟
کو آشنای ماه؟ کو خویشاوند ماه؟

اما ماه یک همدرد آشنائی دارد، با او از یک نژاد
نیست، با او همخانه نیست، هر کدام از آن دنیای دیگری
هستند، دو بیگانه اما دو بیگانه همدرد و می دانیم که "دو
بیگانه‌ی همدرد از دو خویش بی درد یا ناهم درد، با هم
خویشاوندترند."

چقدر این شعر شهریار خطاب به نیما یوشیج هیجان
دارد! شاعری که زبانش با زبان و سبکش با سبک
شهریار بیگانه است، او کهنه سراسر است و این نوسرا، او از

آذربایجان است و این از مازندران. دو چهره درخشان
اما هر کدام از آن دنیای دیگری، هر کدام از نظر زبان،
سبک، جهان بینی در صف دیگری، دو صف مقابل و
گاه متخاصم و متناقض با دیگری، اما این دو بیگانه هر
دو در یک درد می گدازند. در جان هر دو یک آتش
افتاده، و هر دو را یک شعله می سوزد:

نیما غم دل گو که غریبانه بگیریم
سر پیش هم آریم و دو دیوانه بگیریم

۱- کلیان نیما ص ۵۳۰

۲- کلیات شهریار، جلد یک ص ۱۱۴

۳- کلیات شهریار، جلد یک، ص ۳۰۹

۴- کلیات شهریار، جلد یک، ص ۵۲۶

۵- هفت مقاله، جلال آل احمد، انتشارات رواق،
ص ۴۴

۶- ارزیابی شتایزاده، جلال آل احمد، انتشارات
رواق، ص ۳۸ و ۳۵

۷- مجله گل‌های رنگارنگ، شماره ۲، سال ۱۳۲۴،
ص ۱۸۷

۸- از سید ضیاء تا بختیار، مسعود بهنود، نشر
جاویدان، ص

۹- کلیات نیما، ص ۵۸۴

۱۰- کلیات شهریار، جلد یک، ص ۲۸۵

۱۱- در مکتب استاد، ابوالفضل علیمحمدی، نشر
هادی، ص ۳۶

۱ و ۲ نوارهای اختصاصی حقیر با استاد شهریار که
تعدادی از آنها در سازمان اسناد ملی مرکز شمالغرب
کشور و واحد تحقیقات صدا و سیما مرکز
آذربایجان شرقی نگهداری می شوند.

۱۲- "توجه فرمائید که واژه "شانه" تداعی کننده شا،
نه (شاه، نه) است."

۱۳- دیوان شهریار، جلد یک، ص ۱۱۴

۱۴- اسنادی درباره نیما یوشیج، علی انصاری،
انتشارات سازمان اسناد ملی ایران، ص ۲۲

۱۵- نامه‌ها، نیما یوشیج، ص ۶۳۸

۱۶- نوارهای اختصاصی و کیهان فرهنگی، سال
اول، شماره ۲، ۱۳۶۳، ص ۱۰-۵

۱۷- "جلد یک، ص ۵۲۶"

۱۸- رک به شماره ۳، ص ۶۹۷۰

۱۹- رک به شماره یک

۲۰- گامی در راستای شهریار شناسی (ویژه نامه
فروغ آزادی) ص

۲۱- از گذشته‌ی ادبی ایران، عبدالحسین
زرین کوب، انتشارات بین‌المللی الهدی، ص ۵۵۳ و
۵۴۹

۲۲- نیما یوشیج، کلیات، ص ۳۱۹

۲۳- همان، ص ۳۲۳

۲۴- رک به شماره یک

۲۵- به وصیت‌نامه نیما مراجعه شود.

۲۶- کلیات شهریار، جلد یک، ص ۳۰۹

۲۷- به همین سادگی و زیبایی، جمشید علیزاده، نشر
مرکز، ص ۶۵۸

۲۸- رک به شماره ۱۶ ص ۸۷

۲۹- ضد یاد مسعود بهنود، نشر علم، ص ۲۴۵

۳۰- نوارهای اختصاصی

۳۱- رک به شماره ۱۱

۳۲- کلیات نیما، ص ۵۲۴

۳۳- کلیات شهریار، جلد یک، ص ۹۸

۳۴- نوارهای اختصاصی

۳۵- هبوط در کویر، علی شریعتی، انتشارات چاپ
بخش، ص ۹۶